

برساخت فهم زنان تک‌فرزند از چالش‌های فرزندآوری (مشارکت‌کنندگان: زنان تک‌فرزند شهر اهواز)

دکتر جهانگیر جهانگیری^۲، دکتر حبیب احمدی^۳
دکتر منصور طبیعی^۴ و حسین ملتفت^۵

تاریخ وصول: ۹۳/۹/۷ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۱۴

چکیده:

خانواده به‌عنوان بنیان اصلی جامعه، در طول تاریخ، تحت تأثیر تحولات گوناگون اقتصادی و اجتماعی، دگرگون شده است. به‌طور حتم مسائل خانوادگی امروز ایرانی با خانواده پنجاه یا صد سال پیش تفاوت‌های عمده‌ای دارد. یکی از عرصه‌هایی که در این سال‌ها دستخوش تغییر و تحولات بسیاری شده، روند رشد جمعیت و فرزندآوری و روی آوردن خانواده‌ها به داشتن یک فرزند است. پژوهش حاضر سعی کرده کنش تک‌فرزندی زنان شهر اهواز را مورد کندوکاو قرار دهد و چالش‌های مشارکت‌کنندگان را در ارتباط با خانواده و فرزندپروری که منجر به این رفتار شده را شناسایی کند. برای رسیدن به این هدف از روش‌شناسی کیفی و نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و نظری تعداد ۲۰ زن که دارای یک فرزند بودند، انتخاب و با کمک از مصاحبه‌های عمیق، داده‌ها جمع‌آوری شدند و تحلیل داده‌ها به شیوه‌ی کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد. یافته‌های تحقیق شامل ۱۷ مقوله‌ی فرعی، ۶ مقوله‌ی اصلی و مقوله‌ی هسته چالش‌های سخت پیش روی فرزندآوری می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهند که عدم حمایت کافی از زنان و خانواده و نداشتن زمان کافی به‌واسطه‌ی شاغل بودن یا ادامه تحصیل به‌عنوان شرایط علی چالش‌های پیش روی فرزندآوری می‌باشند. زنان در مواجهه با این چالش‌ها در بستری که مشکلات مالی و مسکن در آن وجود دارد و تجربه‌ی ناخوشایندی از تعداد زیاد اعضای خانواده دارند و مداخله‌ی فضای اجتماعی مخاطره‌آمیز و بالا بودن هزینه‌های فرزندآوری، استراتژی تک‌فرزندی را انتخاب می‌کنند.

مفاهیم کلیدی: تک‌فرزندی، کنش زنان، چالش‌های فرزندآوری، نظریه‌ی زمینه‌ای

^۱ این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری حسین ملتفت می‌باشد.

^۲ دانشیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز jahangiri@gmail.com

^۳ استاد بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز hahmadi@rose.shirazu.ac.ir

^۴ استادیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز mtabiee@rose.shirazu.ac.ir

^۵ عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده‌ی مسئول)
moltafet_h@scu.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

خانواده‌ی ایرانی امروزه با مسائلی روبه‌رو است که بیشتر آن‌ها را تاکنون تجربه نکرده بود. چالش‌های مابین ارزش‌های سنتی و مدرن، نیز ورود فناوری و فرهنگ نهفته در بطن آن بعلاوه تحولات عمیق و گسترده‌ی سیاسی و اقتصادی و پیدایی طبقه‌ی متوسط شهری، افزایش بی سابقه‌ی مصرف کالاهای جدید، ورود امکانات جدید ارتباطی نظیر اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای به زندگی شهروندان موجب تغییرات ارزشی شدید در جامعه‌ی ما شده‌اند (آزادارمکی و خادمی، ۱۳۸۲: ۱۲). یکی از عرصه‌هایی که در این سال‌ها دستخوش تغییر و تحولات بسیاری شده، روند رشد جمعیت و فرزندآوری، و روی آوردن خانواده‌ها به داشتن یک فرزند است. این پدیده‌ای است که تا به حال جامعه‌ی ایران آن را تجربه نکرده بود، این پدیده که از یکی دو دهه‌ی قبل شروع شده است کم‌کم در حال غالب شدن در جامعه و تبدیل شدن به یک کنش هنجاری می‌باشد. در واقع، امروزه باروری زیر سطح جایگزینی^۱ عمومیت یافته و اکثر کشورهای دنیا، اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه، در حال تجربه‌ی آن هستند. به تعبیر ویلسون^۲ "ما داریم به سمت دنیایی حرکت می‌کنیم که در آن هنجار باروری پایین از سوی فقرا و اغنیا یکسان تجربه می‌شود". او پیش‌بینی می‌کند که در آینده‌ای نزدیک تعداد افراد با باروری کل کمتر از دو فرزند در کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته باشد (ویلسون، ۲۰۰۱). بر این اساس، کالدول^۳ و ویلسون از جهانی شدن رفتارها و الگوهای باروری سخن می‌گویند. به موازات این تغییرات در جهان، ایران نیز تغییرات گسترده‌ای را تجربه کرده، بطوریکه طی سه دهه‌ی گذشته میزان باروری در ایران به طرز چشم‌گیری کاهش یافته است (کالدول و ویلسون، ۲۰۰۱). تعداد فرزندان زنده‌ی هر زن در طول دوران باروری (باروری کل^۴) از حدود ۶/۳ در سال ۶۵ به ۳/۶ در سال ۷۵ رسید که نشان‌دهنده‌ی بیش از ۵۰ درصد کاهش است و از سال ۸۵ به بعد میزان باروری کل به زیر سطح جایگزینی نزول یافت و در حال حاضر حدود ۱/۷ فرزند می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱)، بر اساس تحلیل داده‌های سرشماری ۳۳ درصد خانواده‌ها حداکثر صاحب یک فرزند هستند (ثبت‌احوال، ۱۳۹۲). بنابراین داده‌ها، اکثر خانواده‌های ایرانی در جهت داشتن یک فرزند قدم برداشته و برمی‌دارند و شکل‌گیری این فرایند در جامعه‌ی ایران ایده‌ی اصلی این پژوهش بوده است.

تصمیم‌گیری در مورد فرزندآوری یکی از وقایع عمده‌ی زندگی زوجین است که به نوبه‌ی خود تحت تأثیر بسیاری از جنبه‌های زندگی از قبیل سلامت، وضعیت اقتصادی و

^۱ منظور از باروری سطح جایگزینی، باروری کل ۲/۱ فرزند برای هر خانواده می‌باشد.

^۲ Wilson

^۳ Caldwell

^۴ Total Fertility

رفاه و فرهنگ خانواده می‌باشد؛ لذا با عنایت به موارد بالا و توجه به بیان دی^۱ که می‌گوید: برای فهم باروری نباید فقط به آن به‌عنوان یک بخش اساسی از رفتارهای جمعیت‌شناختی نگاه کرد؛ بلکه باید به‌عنوان یک عنصر پایه‌ای در ساختار اجتماعی و شرایط انسانی در نظر گرفت، لزوم کسب شناخت عمیق‌تری از فرایند تصمیم‌گیری افراد در مورد فرزندآوری و به‌ویژه گزینش استراتژی تک‌فرزندی توسط زنان احساس می‌شود (دی، ۱۹۸۳). هدف اصلی تحقیق نیز فهم چالش‌هایی است که زنان در فرزندآوری با آن مواجه‌اند و استراتژی تک‌فرزندی را انتخاب می‌کنند. برای رسیدن به این هدف، از روش کیفی استفاده شده است؛ چرا که روش‌های کیفی و داده‌های حاصل از آن می‌تواند درک کامل‌تری از رفتار و تصمیم‌گیری آن‌ها ارائه کند.

چارچوب مفهومی پژوهش

از آنجایی که در این مطالعه از رویکرد پارادایمی تفسیری و روش‌شناسی کیفی استفاده خواهد شد، بررسی دیدگاه‌های نظری مرتبط با موضوع نه با هدف نظریه‌آزمایی بلکه با هدف ارتقاء حساسیت نظری محقق و تحقیق انجام می‌گیرد. با در نظر گرفتن تفاوت‌های فلسفی و پارادایمی روش‌های کمی و کیفی در تحقیقات اجتماعی (پتن^۲، ۲۰۰۱)، پژوهش‌های کیفی از چارچوبی مفهومی در مقابل مبانی و چارچوب نظری در روش‌های کمی استفاده می‌کنند. چارچوب مفهومی، مفاهیمی را شامل می‌شود که تمرکز اصلی مطالعه بر آن‌ها استوار است (کرسول^۳، ۲۰۰۷؛ پتن، ۲۰۰۱؛ بلیکی^۴، ۲۰۰۷). در واقع محقق با اطلاع از این نظریه‌های موجود، بر مجموعه مفاهیمی متمرکز می‌شود که ممکن است در طول تحقیق مورد نیاز باشند. نظریه‌های مختلفی در رابطه با رفتار باروری و تبیین آن وجود دارد که به چند مورد اشاره می‌شود.

یکی از نظریه‌هایی که در این زمینه می‌توان از آن کمک گرفت، نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی‌شده^۵ آیزن و فیش باین^۶ می‌باشد. این محققان در مطالعات خود در پی تبیین و توضیح رفتار، به نقش نگرش توجه نموده‌اند. به نظر آنان یک کنش یا رفتار در پی یک زنجیره از عوامل روی می‌دهد. حلقه‌ی ماقبل بروز رفتار "قصد و نیت" انجام یک رفتار است. اما قصد و نیت، خود متأثر و تابع سه متغیر دیگر است که عبارت‌اند از: "نگرش به

¹ Day

² Patton

³ Creswell

⁴ Blaikie

⁵ Planned Behaviour

⁶ Ajzen & Fishbein

رفتار^۱ " که متغیری فردی و شخصی می باشد و طی آن رفتار از منظر خود فرد کنشگر ارزیابی می شود؛ متغیر دیگر، "هنجار ذهنی"^۲ است که منعکس کننده نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آن را برای انجام یک کار (رفتار) احساس و ادراک می کند (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۹) و سوم کنترل رفتار درک شده^۳، به معنای درک راحتی یا سختی انجام رفتارهاست (آیزن، ۱۹۹۱: ۱۸۸).

کالدول، علت کاهش باروری را مربوط به هسته‌ای شدن خانواده و جریان ثروت بین نسلی از طرف والدین به فرزندان می داند که قبلاً جهت این جریان از فرزندان به والدین بود. گزاره‌ی اصلی این نظریه این است که قبل از شروع کاهش باروری در یک جامعه، باروری کنترل نشده از نظر اقتصادی، یک انتخاب عقلانی محسوب می شود چون فرزندان واجد ارزش و منفعت هستند و در مواقع خطر، بیماری و سالخوردگی والدین، نقش بیمه‌ای ایفا می کنند (قدرتی، ۱۳۹۲: ۷۹).

نظریه‌ی توسعه‌ای بر این پیش فرض مبتنی است که تفکیک شدید نقش‌های جنسیتی در جوامع سنتی مانع کار زنان در بیرون از خانه می گردد. ادبیات گسترده‌ای در جمعیت‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی نشان داده است که تغییرات اساسی در نقش‌های جنسیتی به موازات فرایند نوسازی رخ داده است. در جوامع پسا صنعتی، نقش‌های جنسیتی به خاطر انقلاب ساختاری در نیروی کار دستمزدی، فرصت‌های تحصیلی برای زنان و ویژگی‌های خانواده‌ی مدرن، روز به روز به هم نزدیک‌تر می گردد. امروزه در بسیاری از کشورها زنان به آموزش و تحصیل به همان اندازه‌ی مردان دسترسی دارند. با این وجود آن‌ها برای بهره‌مندی بیشتر از این فرصت‌ها، ممکن است بالاجبار از باروری چشم‌پوشند یا آن را کاهش دهند (همان).

بر اساس تئوری‌های اقتصادی^۴ باروری، فرزندان نوع خاصی از کالا تلقی می‌شوند که دارای هزینه‌های خاص برای تولید و نگهداری و همچنین دارای سود و فایده‌ی خاص می‌باشند. بکر^۵ یکی از صاحب‌نظران این نظریه معتقد است، کودکان مانند کالای مصرفی هستند و تحت شرایطی از نوسازی، هزینه‌های خالص داشتن فرزند افزایش می‌یابد. بر این اساس تعداد بچه‌هایی که خانواده‌ها خواهند داشت، به واسطه‌ی درآمد تعیین می‌شوند و در نتیجه خانواده‌های متمول باید فرزندان بیشتری داشته باشند (ادیبی سده و همکاران،

¹ Attitudes Toward The Behaviour

² Subjective Norms

³ Perceived Behavioural Control

⁴ Economical Theories

⁵ Becker

۱۳۹۰: ۷۷-۷۸). اسپنگلر^۱ تصمیم‌گیری برای داشتن یک فرزند اضافی را تابعی از سه متغیر «نظام ترجیحات»، «نظام قیمت‌ها» و «درآمد» می‌داند (اسپنگلر، ۱۹۶۶).

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

علاوه بر استفاده از نظریه‌های موجود از راهنمایی تحقیقات پیشین نیز بهره خواهیم گرفت و به چند مورد از تحقیقات مرتبط با موضوع اشاره خواهد شد. تحقیقی با عنوان الگوی تصمیم‌گیری فرزندآوری توسط مرضیه کبودی و همکاران در سال ۱۳۹۲ با روش کیفی انجام شد. این تحقیق با هدف تبیین الگوی تصمیم‌گیری فرزندآوری طراحی و به شیوه‌ی نظریه‌ی مبنایی انجام شد. مقوله‌ی "نیاز درک شده به فرزندآوری" به‌عنوان درون‌مایه‌ی اصلی ظهور یافت. دو مقوله‌ی "نگرش فرد به پیامدهای فرزندآوری" و "هنگارهای درک شده" نیز شرایط علی "نیاز درک شده به فرزندآوری" هستند. پس از درک نیاز، در صورتی فرد قصد فرزند آوری می‌نماید که "کنترل بر شرایط پس از فرزندآوری" را مناسب ارزیابی نماید. تصمیم فرزند آوردن/نیاوردن به‌صورت تصادفی شکل نمی‌گیرد بلکه مبنای این تصمیم‌گیری، رفع یا کاهش یک سری نیازهای درک شده است (کبودی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۱۵-۵۰۵).

پژوهشی با عنوان نیات باروری مردم تهران در سال ۱۳۹۱ توسط امیر عرفانی، انجام شده است. این پژوهش با هدف بررسی میزان‌ها، رفتارها، ترجیحات و نیات باروری و روندهای آن‌ها در نمونه‌ای بالغ بر ۲۲۶۷ نفر از زنان متأهل ۱۵ تا ۳۵ ساله و مردان متأهلی که همسرشان کمتر از ۳۶ سال سن داشتند و ساکن مناطق ۲۲ گانه‌ی شهر تهران بودند انجام شده است. بر اساس این پژوهش، از میان کل دلایل اظهار شده برای نخواستن فرزند، «عدم توانایی برای تأمین هزینه‌های فرزند دیگر» (۲۷ درصد)، «داشتن تعداد موردنظر فرزندان» (۲۵ درصد)، «تداخل فرزندآوری با علایق، تفریحات، و برنامه‌های کاری و تحصیلی» (۱۶ درصد) و «نگرانی نسبت به آینده‌ی فرزندان» (۱۵ درصد) به ترتیب به‌عنوان مهم‌ترین دلایل نخواستن فرزند (یا فرزند دیگر) ذکر شده است. یافته‌ها نشان داد که دسترسی افراد به منابع گوناگون اقتصادی و حمایتی تأثیرات متفاوتی بر نیات باروری آن‌ها دارد. در مجموع به نظر می‌رسد مشکلات اقتصادی و کاهش ثبات در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، یک عامل بازدارنده در جهت ترغیب به رشد جمعیت باشد؛ ضمن اینکه عادت مردم به تک‌فرزندی یا دو فرزندی که طی بیش از دو دهه شکل گرفته به زودی از بین نخواهد رفت (عرفانی، ۱۳۹۱).

^۱ Spengler

تحقیقی با عنوان زمینه‌های کم‌فرزندآوری در استان کردستان (مطالعه‌ی موردی: شهر سقز) توسط حسین محمودیان و همکاران در سال ۱۳۸۸ انجام شد. این پژوهش با رویکردی کیفی در صدد فهم نظام معنایی موجود در شهر سقز در استان کردستان پیرامون پدیده‌ی کم‌فرزندآوری بود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که کم‌فرزندآوری در این جامعه به‌عنوان یک کنش اجتماعی معنادار از رواج و شیوع گسترده‌ای برخوردار است و در قالب نوعی گفتمان بر نظام معنایی و کنشی افراد و خانواده‌ها حاکم است. برآیند کلیه‌ی مفاهیم و مقولات بدست آمده از این مطالعه یک مقوله‌ی هسته‌ی دو وجهی به نام کم‌فرزندی به‌مثابه قاعده‌مندسازی/ ارتقاء سوژه است که بازنمای وضعیت حاکم بر این جامعه در حیطه‌ی فرزند آوری است (محمودیان و همکاران، ۱۳۸۸).

ب) تحقیقات خارجی

تحقیقی با عنوان نیت باروری: رویکردی بر اساس نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده، توسط آیزن و کلوباس^۱ در سال ۲۰۱۳ انجام شد. در این تحقیق با استفاده از نظریه‌ی رفتار برنامه‌ریزی شده، از داده‌های تحقیقات پژوهشی که در کشورهای مختلف با این هدف انجام شده بود، استفاده و این نتایج حاصل شد: استفاده از این نظریه برای مطالعه‌ی تصمیمات مربوط به فرزندآوری مناسب می‌باشد و بررسی عقاید رفتاری، هنجاری و کنترلی در مورد داشتن فرزند می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های زوجین مؤثر و مفید باشد (آیزن و کلوباس، ۲۰۱۳).

چرایی نخواستن فرزند دوم عنوان تحقیقی است که در روسیه انجام شده است، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سه عامل: نگرش‌ها، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتاری درک شده در نخواستن فرزند دوم دخیل می‌باشند (سیلوانی^۲، ۲۰۱۲).

راه و مسیر باروری پایین عنوان تحقیقی است که دیوید کلمن^۳ انجام داده است. در این مطالعه کلمن بر دو دسته از عوامل مؤثر بر کاهش باروری تأکید می‌کند: عوامل اقتصادی و عوامل فرهنگی. یکی از عوامل کاهش باروری به تأخیر انداختن باروری است (کلمن، ۲۰۰۷).

سانیا کوکوت^۴ در تحقیقی با عنوان فهم باروری، کار و خانواده از نگاه جنسیتی؛ یک مطالعه‌ی موردی با رویکرد کیفی انجام داد. این تحقیق در اسلوونی با استفاده از تکنیک مصاحبه‌ی عمیق انجام شده و نتایج این تحقیق نشان داد که افزایش تحصیلات زنان و

¹ Ajzen & Klobas

² Silvagni

³ David Coleman

⁴ Sanja cukut

همچنین نقش مردان در باروری بسیار مهم است. این در حالی است که در بیشتر موارد به نقش مردان در باروری کمتر توجه شده است (کوکوت، ۲۰۰۷). علاوه بر این موارد می‌توان به تحقیقات دوساب کیم^۱ (۲۰۰۶)، آچاریا^۲ (۲۰۱۰) و جنیفر پین^۳ (۲۰۰۰) در این زمینه اشاره کرد.

روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی مطالعه‌ی حاضر از نوع کیفی استقرایی است. استراوس و کربین منظور از پژوهش کیفی را هر نوع پژوهش می‌دانند که یافته‌هایی تولید کند که با توسل به عملیات آماری یا سایر روش‌های شمارشی حاصل نیامده باشد. موضوع پژوهش کیفی می‌تواند زندگی اشخاص، تجربه‌های زندگی، رفتارها، هیجان‌ها، احساس‌ها و نیز کارهای سازمانی، جنبش‌های اجتماعی، پدیده‌های اجتماعی و تعاملات میان ملت‌ها باشد (استراوس و کربین، ۱۳۹۱: ۳۲). پژوهش کیفی پژوهشی انسان‌گراست که معتقد است افراد به‌طور انفرادی و جمعی اقدام به ساخت‌وساز دنیای اجتماعی خود می‌کنند و نسبت به آن احساس مسئولیت داشته و می‌توانند آزادانه دست به انتخاب بزنند و جهان اجتماعی را ساخته و به آن معنا بخشند (ایمان، ۱۳۸۸: ۱۴۲). رویکرد کیفی تحقیق با توجه به ماهیتش دارای انواع روش‌هاست و متناسب با نوع و ماهیت مسئله‌ی تحقیق از روش مناسب می‌توان استفاده کرد. در مطالعه‌ی حاضر از روش نظریه‌ی زمینه‌ای استفاده خواهد شد. روش‌شناسی‌ای که عموماً از آن به نظریه‌ی زمینه‌ای یاد می‌شود، در اصل به دست بارنی گلیزر^۴ و انسلم استراوس^۵ در سال ۱۹۶۷ در کتاب کشف نظریه‌ی زمینه‌ای مطرح گردیده است. منظور از نظریه‌ی زمینه‌ای، نظریه‌ی برگرفته از داده‌هایی است که در طی فرآیند پژوهش به‌صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند. در این راهبرد، گردآوری و تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که در نهایت از داده‌ها استنتاج می‌شود، در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار دارند. پژوهشگر بجای اینکه مطالعه‌ی خود را با نظریه‌ی از پیش تصور شده‌ای آغاز کند، کار را با یک حوزه‌ی مطالعاتی خاص شروع کرده و اجازه می‌دهد که نظریه از دل داده‌ها پدیدار شود. در مطالعه‌ی حاضر از رویکرد استروس و همکارش کربین^۶ استفاده شده است.

^۱ Doo-sub Kim

^۲ Acharya

^۳ Jennifer Payne

^۴ Barney Glaser

^۵ Anselm Strauss

^۶ J. Corbin

در تحقیق کیفی مفاهیم پایه تحلیل‌اند (نه افرادی را که در تحقیق شرکت می‌کنند). تمام ترتیبات و گام‌های عملی با هدف شناسایی، پرورش و مربوط کردن مفاهیم به یکدیگر دنبال می‌شوند (استراوس و کربین، ۱۳۹۱: ۲۲۰-۲۱۹). در تحقیق کیفی عواملی مانند هدف از نمونه‌گیری، نوع نمونه‌گیری و روش مطالعه در تعیین حجم نمونه مؤثر می‌باشند. شیوه‌ی نمونه‌گیری یا به عبارتی انتخاب مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر هدفمند و نظری می‌باشد. هدف از نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب واحدهای خاص و دسترسی به واحدهایی است که اطلاعات بیشتری (مرتبط با عنوان پژوهش) در اختیار ما قرار می‌دهند (ابوالمعالی، ۱۳۹۱: ۱۱۷).

بنابراین در این تحقیق به صورت هدفمند مشارکت‌کنندگانی انتخاب شده‌اند، که دارای یک فرزند می‌باشند و قصد داشتن فرزند یا فرزندان دیگری هم به صورت آگاهانه ندارند، و این مشارکت‌کنندگان تا جایی اضافه شدند که اشباع نظری اتفاق افتاد و داده‌ای به داده‌ها اضافه نشد.

تکنیک جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق مصاحبه‌ی عمیق بوده، بنابراین با نمونه‌گیری هدفمند شروع و با نمونه‌گیری نظری برای رسیدن به اشباع ادامه دادیم و در نهایت با ۲۰ نفر از زنان دارای یک فرزند ساکن شهر اهواز مصاحبه‌ی عمیق انجام شد. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ آمده است. شایان ذکر است همزمان با جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل نیز انجام شد. در این فرایند مصاحبه‌های ضبط شده تبدیل به متن شدند و در سه سطح باز، محوری و گزینشی کدگذاری شدند، در مرحله‌ی کدگذاری باز تک تک جملات مشارکت‌کنندگان به‌عنوان یک واحد مورد تحلیل و کدگذاری قرار گرفتند.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	نام مستعار	سن	سن همسر	مدت ازدواج	جنس فرزند	سن فرزند	شغل	تحصیلات	تحصیلات همسر
۱	آرزو	۴۰	۴۳	۱۸	پسر	۱۴	خانه‌دار	دیپلم	دیپلم
۲	حورا	۳۲	۳۳	۸	پسر	۶	خانه‌دار	دانشجو	دیپلم
۳	زینب	۲۸	۳۴	۴	پسر	۳	خانه‌دار	کاردانی	کارشناسی
۴	زهرا	۲۸	۳۵	۸	دختر	۶	کار در فروشگاه	دیپلم	دیپلم
۵	فرشته	۳۸	۴۷	۱۶	دختر	۱۴	معلم	لیسانس	فوق لیسانس
۶	سعیده	۳۱	۳۵	۸	پسر	۷	معلم	دانشجو	دیپلم
۷	مژگان	۳۴	۴۴	۱۴	دختر	۱۰	خانه‌دار	سیکل	پنجم
۸	هاجر	۲۸	۳۵	۶	پسر	۱	خانه‌دار	دیپلم	دیپلم
۹	مریم	۳۰	۳۰	۹	دختر	۸	خانه‌دار	سیکل	دیپلم
۱۰	رایا	۳۳	۴۳	۹	دختر	۷	خانه‌دار	لیسانس	لیسانس
۱۱	سرور	۳۴	۳۹	۱۲	دختر	۱۱	کارمند	فوق لیسانس	لیسانس
۱۲	مهناز	۴۵	۴۲	۱۱	پسر	۱۰	کارمند	دانشجو	لیسانس
۱۳	نیکا	۳۲	۳۷	۱۰	دختر	۹	خانه‌دار	لیسانس	فوق لیسانس
۱۴	محبوبه	۳۹	۴۲	۱۲	دختر	۸	خانه‌دار	فوق دیپلم	دیپلم
۱۵	فاطمه	۲۸	۳۱	۹	پسر	۵	خانه‌دار	دیپلم	دیپلم
۱۶	مبینا	۴۵	۴۵	۱۰	دختر	۸	خانه‌دار	دیپلم	دانشجو
۱۷	مرجان	۳۲	۳۷	۱۵	پسر	۱۴	خانه‌دار	پنجم	دیپلم
۱۸	راحله	۳۴	۳۹	۱۳	دختر	۱۱	کارمند	فوق لیسانس	دیپلم
۱۹	روژان	۳۵	۴۲	۱۵	دختر	۹	خانه‌دار	لیسانس	فوق لیسانس
۲۰	مهسا	۳۵	۳۷	۱۳	پسر	۱۱	خانه‌دار	دیپلم	کاردانی

یافته‌های پژوهش

با توجه به استفاده از نظریه‌ی بنیادی به‌عنوان روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، بر این اساس متن مصاحبه‌ها در سه سطح کدگذاری باز، محوری و گزینشی مورد تحلیل قرار گرفتند که ابتدا تک‌تک جملات به مفاهیم تبدیل شدند و در ادامه روند تحلیل مقوله‌های فرعی و اصلی نمایان شدند و در نهایت مقوله‌ی هسته استخراج گردید، جدول ۲ نشان‌دهنده‌ی مقوله‌های فرعی و اصلی و مقوله‌ی هسته‌ی تحقیق می‌باشد. در این تحقیق شش مقوله‌ی اصلی از ۱۷ مقوله‌ی فرعی استخراج شد که در ادامه هر یک از این مقوله‌ها مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

جدول ۲: خروجی مراحل سه گانه‌ی کدگذاری باز، محوری و گزینشی

مقوله‌ی فرعی	مقوله‌های اصلی	مقوله‌ی هسته
بهبانگیبری کودکان	هم‌راستا بودن فرزندآوری با مسئولیت‌های سنگین	چالش‌های سخت پیش روی فرزندآوری
احساس مسئولیت زنان		
دردسرهای فرزند پروری		
زمان‌بر بودن فرزندپروری	چالش‌های مدیریت زمان	
تداخل کار با رسیدگی به فرزند		
تداخل تحصیل با رسیدگی به فرزند		
اقتصاد ضعیف خانواده	چالش‌های اقتصادی خانواده	
مشکلات مسکن		
هزینه‌های اقتصادی پرورش فرزند	افزایش هزینه‌های اقتصادی فرزندآوری	
دشواری تأمین هزینه‌های آموزشی		
هزینه‌های مادی قبل از تولد		
تعارض در منابع اجتماعی شدن		
احساس عدم امنیت	فضای اجتماعی مخاطره‌آمیز	
عدم اطمینان به آینده		
عدم حمایت اجتماعی		
عدم حمایت همسر	عدم حمایت نهادی کافی	
عدم حمایت خانواده		

مقوله اصلی اول: هم‌راستا بودن فرزندآوری با مسئولیت‌های سنگین

مراقبت از فرزندان، مسئولیت سنگین و ظریفی است که جز با تدبیر و درایت پدر و مادر و همفکری و همدلی آنان و با احساس مسئولیت در مقابل فرزندان و روشن‌بینی نسبت به واقعیت‌های جامعه، نمی‌توان از عهده آن برآمد، بنابراین مهم‌ترین وظیفه‌ی هر پدر و مادر، تربیت و پرورش فرزند است. پدر و مادر به‌عنوان اولین معلم کودک وظیفه بسیار مهم و خطیر انسان‌سازی را بر عهده دارند. والدین وقتی تصمیم می‌گیرند صاحب فرزند شوند، به این معنا است که آمادگی لازم را جهت پذیرفتن مسئولیت سنگین تربیت یک انسان را دارند. تربیت فرزند و مسائل مربوط به آن یکی از مشکلات اصلی زوجین در حال حاضر می‌باشد، خیلی از خانواده‌ها بعد از فرزندآوری و قرار گرفتن در فرایند تربیت فرزند با مسائلی روبرو می‌شوند که تحمل آن‌ها برایشان دشوار می‌نماید و حاضر نیستند دوباره این شرایط را تجربه کنند، یا اینکه متوجه مسئولیت دشوار نگهداری و پرورش فرزند می‌شوند. به‌طور کلی عوامل مختلفی در این زمینه دخیل‌اند که می‌توانند مسئولیت والدین بودن را دشوارتر کنند.

مادر به واسطه‌ی نزدیکی بیشتر با فرزند و به دوش کشیدن بار اصلی مراقبت و پرورش از او سنگینی این امر را بیشتر لمس می‌کند، در این راستا یکی از مشکلات پیش روی مشارکت‌کنندگان، بهانه‌گیری‌های فرزندان بوده است. هر چند که بهانه‌گیری در مرحله‌ای از زندگی کودکان شاید طبیعی به نظر برسد، اما از آنجایی که زندگی شهری و ساختارهای آن باعث شده این موضوع برای زنانی که، از یک طرف، باید از فرزند خود نگهداری کنند و از طرف دیگر، شاغل باشند تا از پس مخارج سنگین زندگی خود برآیند، به یک چالش تبدیل شده است. در بسیاری از موارد مشاغل مردان هم بگونه‌ای است که امکان همکاری و کمک به همسران خود را نمی‌دهد.

آرزوی یکی از مشارکت‌کنندگان که همسرش برای کار به مدت ۵ سال به خارج از کشور مهاجرت کرده بود و دقیقاً این زمان مصادف با بارداری و تولد فرزندشان بوده است، می‌گوید:

« من این قدر توی این ۵ سال عذاب کشیدم که خدا بگه بس. وقتی بچه‌ات مدام بپرسه بابا کجاست؟ هر سری بهش بگی بابا رفته کار ... هر روز بچه نق بزنه جونت، دیگه چه باید کرد؟».

سرور که خود کارمند است و همسرش در ماه ۲۵ روز دور از خانه و سرکار می‌باشد، از نوع رفتار فرزندش تا سه سالگی گلایه می‌کند و بهانه‌گیری‌های او را عاملی برای نخواستن فرزند دوم می‌داند.

« بچم تا سه سالگی هم بچه‌ای بود که خیلی اذیت شدم، چون باباشو کمتر می‌دید خیلی به من وابسته شده بود و خیلی بداخلاقی می‌کرد و این خیلی اذیتم می‌کرد».

حساسیت فراوان مادران به شیوه‌ی تربیت فرزندشان از دیگر عوامل روی آوردن زنان به تک‌فرزندی است. چرا که مشارکت‌کنندگان معتقدند با وجود یک فرزند دغدغه‌های زیادی دارند و اگر تعداد فرزندانشان بیشتر شود، مطمئناً این نگرانی بیشتر خواهد شد و این احساس در زنان وجود دارد که از عهده این کار بر نخواهند آمد و یا اینکه آنچنان که دوست دارند فرزندشان پرورش نیابد. زهرا ۲۸ ساله در این مورد می‌گوید:

«یکی از دلایل من برای تک‌فرزندی، نوع تربیت فرزند می‌باشد؛ همیشه با خودم فکر می‌کنم شاید نتوانم آن‌طور که باید فرزندم را تربیت کنم و این موضوع فکرم را مشغول کرده است.

فرشته در ارتباط با شیوه‌ی تربیت فرزندش و حساسیت خود نسبت به این موضوع ابراز می‌دارد:

« من در مورد تربیت دخترم خیلی حساس بودم چون خودم در جامعه زندگی می‌کردم و تفاوت تربیت شهر بزرگ و کوچک را می‌دیدم. همیشه احساس می‌کردم که

دخترم نمی تواند مثل خودم مقاوم و خوددار باشد به این خاطر نسبت به مسائل تربیتی او بسیار حساس بودم. دخترم خیلی قشنگه به این خاطر خیلی می ترسم که فریب کسی را نخورد».

دردسرهایی که زنان در نگهداری از فرزندان خود با آنها مواجه‌اند از قبیل: شب زنده داری، گریه‌های زیاد و ناآرام بودن فرزند و ... یکی دیگر از چالش‌های پرورش فرزند برای مشارکت‌کنندگان بوده که برای آنها غیر قابل تحمل بوده است و خواهان تجربه‌ی مجدد چنین شرایطی نیستند، بخصوص برای زنانی که شاغل یا در حال تحصیل بوده‌اند، این امر بیشتر خودنمایی کرده است.

رومینا دردسرهایی دوران کودکی فرزندش را این چنین توضیح می‌دهد: «دخترم خیلی ناآروم بود، چهل روز اول خیلی خوب بود ولی دقیقاً از چهل روز تا شش ماه من شب تا صبح سر جمع دو ساعت نمی خوابیدم فوق‌العاده ناآروم یعنی همش این دهنه باز بود و باید یا شیرش می‌دادم و یا بغلش می‌کردم».

حورا نیز در ارتباط با ناآرام بودن فرزند خود در کودکی چنین بیان می‌کند: «خوشبختانه من دوران بارداری بدون مشکلی رو پشت سر گذاشتم. اما دو سال اول بدنیا اومدنش به دلیل کم‌خوابی بیش از اندازه‌ی فشار زیادی بهم وارد شد».

مریم از نفرت خود و همسرش در مورد گریه و سر و صدای بچه این چنین می‌گوید: «برای من و مخصوصاً همسرم تحمل گریه و زاری و سر و صدای بچه غیر قابل تحمل است. بیشتر بچه‌ای را دوست داریم که به جایی رسیده باشد که از بهانه‌ها و جیغ و دادهای بچه‌گانه جدا شده باشد و همسرم از همان اول از صدای بچه بیزار بود چه برسد به الان که ۳۰ سال را گذرانیدیم. پس بچه‌دار شدن الان ما قطعاً با صبر و حوصله‌ی امروز و چند سال بعد منافات دارد».

مقاله اصلی دوم: چالش مدیریت زمان

نوزاد انسان ذاتاً توانایی ادامه‌ی حیات به تنهایی را ندارد و برای زنده ماندن نیاز به مادر یا فردی دارد که به‌طور شبانه‌روزی از او نگهداری کند، پس داشتن زمان کافی به‌عنوان پیش شرط فرزندآوری و داشتن فرزند است، با توجه به اهمیت و با ارزش بودن زمان، یکی از مسائلی که مشارکت‌کنندگان با آن مواجه بوده‌اند، نداشتن فرصت کافی برای فرزندآوری و یا نگهداری از فرزند بوده است. با توجه به اینکه تربیت فرزند از نگاه مشارکت‌کنندگان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد؛ علاوه بر آن برای داشتن فرزند سالم باید زمان زیادی صرف کرد که این مسئله با ویژگی‌های زندگی امروزی در تضاد

می‌باشد، از جمله این موارد تداخل بین ادامه‌ی تحصیل و رسیدگی به فرزند می‌باشد و شاغل بودن زنان و نگهداری از فرزند می‌باشد.

زها دیلمه دارای یک دختر ۶ ساله می‌گوید:

« به نظر من داشتن چند فرزند وقت زیادی را از آدم می‌گیرد، با اینکه شاغل هستم و در یک فروشگاه کار می‌کنم ولی تمام سعی‌ام را می‌کنم تا آنجا که بتوانم برای فرزندم وقت بگذارم و همبازی او باشم تا احساس تنهایی نکند و تا حدودی هم در این کار موفق بودم». روژان در پاسخ به این سؤال که چرا نمی‌خواهد فرزند دیگری داشته باشد، می‌گوید: «اینکه نتونم از عهده‌ی تربیت جفتشون بر پیام اونقدر که لازمه بتونم وقت بزارم چون با اینکه بزرگ‌تر شده ولی بیشتر باید براش وقت بزاری کلاس‌های مختلف، کارای مختلفی باید بکنی که وقت بیشتری می‌گیره. بخاطر همین اگر یه بچه‌ی دیگه هم باشه باید یه مقدار وقتم واسه‌ی اون اختصاص بدم چون همسرم هنوز داره درس می‌خونه».

حورا یکی از مشارکت‌کنندگان که ۳۲ سال سن دارد و دانشجو است، می‌گوید: «من با همین فرزند اول هم از تحصیلات خودم و ادامه دادن آن باز مانده‌ام و امیدوارم که بتوانم تحصیلاتم رو ادامه بدهم». ایشان در ادامه بیان می‌کند: « حدافل الان تمام وقتم رو صرف یک فرزند می‌کنم و تمام تلاشم رو می‌کنم که او را به ثمر برسانم. کارهایی که شاید با داشتن فرزندان دیگر نتوانم انجام دهم».

سعیده هم که ۳۱ سال سن دارد و دارای یک فرزند پسر ۷ ساله است در مورد تداخل بین ادامه تحصیل و فرزندآوری می‌گوید:

«من فعلا درسم تمام نشده و ترم آینده پایان‌نامه دارم بنابراین اگر بخواهم بچه‌ی دیگری بیاورم باید قید درس خواندن را بزنم چون الان با وجود یک بچه‌ی من کلی از درس‌هایم عقب مانده‌ام. ۲ ترم متوالی مرخصی بخاطر بارداری و ویار بدی که داشتم و یک ترم هم مشروط شدم و خیلی از این بابت ناراحتم و همیشه غصه می‌خورم».

بیماری‌های دوره‌ی نوزادی و کودکی نیاز به مراقبت از کودکان را دو چندان می‌کند و والدین و بخصوص زنان باید در چنین شرایطی قید کارهای دیگر خود را بزنند و به‌طور تمام وقت در خدمت فرزند خود باشند، زینب در این زمینه اذعان می‌کند:

« یکی از دلایلی که من نمی‌خواهم بچه دیگری داشته باشم این است که بچه‌ی ما زیاد ناآرام است و زیاد گریه می‌کند و مریض می‌شود، و مریض شدنش روزبه‌روز بدتر و بیشتر می‌شود. در این مدت خیلی اذیت شدیم و زمان زیادی از ما گرفته است».

تداخل بین کار و فرزندآوری و تربیت فرزند یکی دیگر از مواردی است که در مقوله‌ی اصلی چالش زمان به آن پرداخته شده است، با توجه به حضور پر رنگ خانم‌ها در عرصه‌ی کار و جامعه در سال‌های اخیر این موضوع به‌عنوان چالشی در فرزندآوری خانواده‌ها خود

نمایی می‌کند. در این زمینه شاغل شدن زنان باعث شده که فرصت کافی برای رسیدگی به فرزند نداشته باشند.

مهناز ۴۵ ساله، کارمند و دارای فرزند پسر ۱۰ ساله بیان می‌کند:

« سال‌های اولی که فرزندم به دنیا آمد خانواده‌ام اینجا نبودن، حالت تنهایی خیلی منو آزار داد بخصوص در بزرگ کردن بچم، چون هم من شاغل بودم و هم شوهرم شاغل بود. وقتی که بچم بدنیا آمد من داشتم کارم را از دست می‌دادم چون به ما حتی چهار ماه هم مرخصی ندادند و می‌گفتند هر وقت ما بگوییم باید بیایید سر کار، چون ما هم شرکتی بودیم؛ امور اداری خیلی سخت‌گیری می‌کردند».

مقوله اصلی سوم: چالش‌های اقتصادی خانواده

درگیری‌های مالی مسئله‌ی همیشگی افراد و خانواده‌هاست، مسائلی چون؛ خط فقر، مشکلات مسکن، گرایش به تجمعات، چند شغله بودن والدین، کار تا دیر وقت و غیره، تبعات خاصی را در خانواده‌ها به وجود می‌آورند که بیشتر ویژگی‌های دو دهه‌ی اخیر محسوب می‌شوند و تا قبل از آن بدین شکل تجربه نشده بودند. شاید ریشه‌ی قسمت عمده‌ای از مشکلات امروز و چالش‌های آینده خانواده‌های ایرانی را بتوان در شرایط دشوار اقتصادی یافت. تلاش‌های خانواده در مسیر مسائل اقتصادی چه آنهایی که برای جبران کمبودها صورت می‌گیرد و چه آنهایی که از سر زیاده‌طلبی است، تأثیرات چشمگیری بر همه‌ی ابعاد زندگی مردم دارد و گاه، آنگونه که مردم تصور می‌کنند، همه چیز زندگی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. خانواده‌ها قبل از اقدام به فرزندآوری سعی دارند زمینه و شرایط مناسب برای داشتن فرزند را فراهم کنند، هر چند در گذشته کمتر به این موارد توجه می‌شد ولی امروزه فراهم کردن شرایط فرزندآوری از جمله داشتن درآمد کافی به منظور تأمین راحت‌تر نیازهای فرزند، مسکن مناسب و ... از الزامات داشتن فرزند شده است. در هر حال، هر گونه بحث درباره‌ی مسائل خانواده‌ی ایرانی، بدون در نظر گرفتن مسائل اقتصادی ناممکن می‌نماید.

فرشته یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان در مورد وضعیت اقتصادی خانواده خود بیان می‌کند:

« من و شوهرم از صفر شروع کردیم. با هزار و یک بدبختی و وام‌های زیاد توانستیم خونه بخریم به این خاطر خیلی از لحاظ مادی تحت فشار بودیم».

سعیده می‌گوید:

« یک از دلایل من برای تک‌فرزندی مسئله مسکن می‌باشد. چون خانه‌ی ما اجاره‌ای است؛ بنابراین فعلاً دلیلی نمی‌بینم که بچه‌ی دیگری بیاورم. خانه‌ی ما اجاره‌ای می‌باشد.

خیلی کوچک است، حدود ۱۰۰ متر است. پسر من از نظر راحتی و اینکه بخواهد بازی کند اصلاً راحت نیست و چون ما در همسایگی خانه‌ی پدر شوهرم هستیم پسر من همیشه آنجاست. آن‌ها خانه بسیار بزرگ و دلبازی دارند و حیاط خانه‌شان خیلی هم بزرگ می‌باشد. در خانه‌ی ما اصلاً جایی برای بازی وجود ندارد چون حیاط خانه‌مان کوچک است و من از این بابت خیلی ناراحتم».

نیکا بیان می‌کند که:

« قبل از ازدواج در دوران مجردی در خانه‌ی پدر وضعیت اقتصادیمان خوب نبود و بعد از ازدوایم باز همون شرایط اقتصادی بود چون شوهرم دانشجوی بود تا تونست کار پیدا کنه زمان زیادی طول کشید و شرایط بسیار بد اقتصادی داشتیم و در خانه‌ی پدر شوهرم زندگی می‌کردیم و توانایی اجاره یا خرید خانه‌ای مستقل نداشتیم، ولی الان خدا را شکر شرایط خوبه. بنابراین همه‌ی این شرایط که عمدش فکر می‌کنم شرایط اقتصادی بود که من تصمیم گرفتم تک‌فرزند داشته باشم و الان هم اصلاً پشیمون نیستم».

محبوبه ابراز می‌دارد:

« از همون اول تصمیم داشتیم بچه دیر بیاریم. علت آن هم مسایل مالی بود و علت دیگری نداشت».

مقاله اصلی چهارم: افزایش هزینه‌های اقتصادی فرزندآوری

نتایج بسیاری از تحقیقات نشان داده که اکثر خانواده‌ها به دلیل مشکلات اقتصادی بچه‌دار نمی‌شوند، و یا اینکه به تک‌فرزندی اکتفا می‌کنند. در رابطه با این مشکلات اقتصادی منظور خورد و خوراک آن‌ها نیست، بلکه هزینه‌های قبل از به دنیا آمدن فرزند یعنی از زمان اقدام برای فرزنددار شدن و پرورش فرزند است که مانع تولد فرزند دیگری در خانواده‌ها می‌شود. با قطعی شدن تصمیم زوجین برای فرزندآوری با توجه به تأکید پزشکان و اهمیت سلامت مادر و کودک، آزمایش‌های اولیه برای اطمینان از سلامت زوجین و بخصوص مادر ضروری است. بنابر توصیه پزشکان در طول دوره‌ی بارداری زنان باید تحت نظر پزشک متخصص باشند و به صورت دوره‌ای معاینات و آزمایش‌هایی انجام دهند تا مشکلی برای جنین و مادر پیش نیاید. معاینات و انجام آزمایش‌های مختلف قبل از اقدام و در دوره‌ی بارداری هزینه‌هایی را برای خانواده‌ها به همراه می‌آورد که می‌تواند در تصمیم‌گیری مجدد برای فرزندآوری زوجین مؤثر باشد.

فرشته در مورد هزینه‌های دوران بارداری خود می‌گوید:

« من و شوهرم از صفر شروع کردیم، به این خاطر خیلی از لحاظ مادی تحت فشار بودیم و هزینه‌های بارداری فشار می‌آورد. در دوران بارداری مدام به شوهرم می‌گفتم که اگر این بچه به دنیا بیاید دیگر اقدام به بارداری نمی‌کنم و بچه نمی‌خواهم.»

بعد از تولد فرزند بدون شک والدین باید نیازهای اولیه کودک از شیر خشک گرفته تا پوشاک و دیگر وسایل را تأمین کنند، خرید این وسایل هزینه‌ای را بر خانواده تحمیل می‌کند. علاوه بر این کودک باید به‌طور منظم ویزیت و معاینه شود، و این در حالت سالم بودن فرزند است، ولی اگر فرزند مشکلی داشته باشد، هزینه‌های زیادی را برای خانواده به همراه خواهد داشت. با بزرگ‌تر شدن فرزند نیازهای او نیز بیشتر شده و با توجه به اینکه فرزندان در عصر حاضر برای خانواده‌ها عزیز هستند، والدین سعی می‌کنند تمام خواسته‌های فرزند را جامه عمل ببوشانند، این موضوع باعث فشار اقتصادی به خانواده‌ها شده و تلاش می‌کنند با کم کردن تعداد فرزندان و اکتفا کردن به یک فرزند فشارهای اقتصادی را خنثی کنند.

زها در ارتباط با فشارهای اقتصادی و مشکلات مالی می‌گوید:

« با این شرایطی که ما داریم خیلی سخت و دشوار است که بچه‌ی دیگری بیاوریم. وضع مالی ما به قدری بد است که توانایی درست بزرگ کردن این یک بچه را نداریم، شوهرم هم با فرزند دیگر مخالف است و می‌گوید وقتی نتوانم خرج یک بچه را در بیاورم چگونه می‌توانم یکی دیگر هم به آن اضافه کنم. ایشان ادامه می‌دهند که اصلاً دوست ندارم آینده‌ی فرزندم مانند پدرش (معتاد) باشد. تا می‌توانم نیازهایش را خودم برطرف می‌کنم و از آنجا که خودم شروع به کار کردم اجازه نمی‌دهم به چیزی نیاز داشته باشد.»

فاطمه در مورد پسر پنج ساله‌اش که بر اثر برخورد کلید به چشمش از نظر بینایی دچار مشکل شده است می‌گوید حدود یکسال است که این اتفاق افتاده و ما در این مدت همیشه در حال رفت و آمد به دکتر و بیمارستان بودیم و او را به شهرهای مختلف بردیم و چند بار تا به حال عمل شده و هر بار پنج تا شش میلیون فقط هزینه‌ی جراحی شده و هنوز هم خوب نشده است.

مرجان هم با وجودی که دوست داشته چند فرزند داشته باشد ولی به خاطر بیماری فرزندش که توانایی راه رفتن را از دست داده و حدود ۱۳ سال است که درگیر درمان او می‌باشند عنوان می‌کند که: « بخاطر مشکلی که برای پسر بوجود آمد چندین ساله که درگیر درمانش هستیم دیگر نمی‌خواهم بچه‌ی دیگری داشته باشم.»

فراهم کردن امکانات آموزشی و هزینه‌های مربوط به مدرسه و وسایل کمک آموزشی و ... و حساسیت خیلی زیاد خانواده‌ها برای نام‌نویسی فرزند خود در کلاس‌های مختلف فوق برنامه، نیز هزینه‌ای مضاعف برای خانواده‌ها را به همراه خواهد داشت.

حورا در این باره نقل می‌کند:

«امکانات آموزشی که در اختیار بچه‌مون گذاشتیم شاید خیلی‌ها با دارا بودن چند فرزند نتونن برای فرزنداشون فراهم کنن. ما هزینه‌ی زیادی رو صرف وسایل آموزش و ثبت نام‌های کلاس‌های مختلفش کردیم.»

مقوله اصلی پنجم: فضای اجتماعی مخاطره‌آمیز

یکی دیگر از چالش‌های خانواده‌ها برای داشتن فرزند بیشتر شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه می‌باشد، از نظر مشارکت‌کنندگان مدیریت بیش از یک فرزند در شرایط موجود کاری بس دشوار است، بنابراین از نظر شرایط اجتماعی و مخاطرات آن باعث شده که آن‌ها فقط یک فرزند داشته باشند و تصمیمی برای داشتن فرزند دیگر تا برطرف شدن مخاطراتشان نگیرند.

مشارکت‌کنندگان معتقدند که خانواده‌ها نمی‌توانند آن‌گونه که دوست دارند فرزندان خود را پرورش دهند، چرا که جامعه و شرایط آن بر نظرات و تصمیمات خانواده‌ها سایه افکنده و نسبت به والدین بیشتر بر فرزندان تأثیر می‌گذارد، و نکته‌ی قابل تأمل اینکه تربیت حاصل از شرایط اجتماعی را متضاد با شیوه‌ی تربیت خانواده می‌دانند. در این مورد حورا می‌گوید:

«از اینکه شرایط اجتماع روی تربیتی که می‌خواهم به فرزندم بدهم تأثیر منفی بگذارد، می‌ترسم. من حتی برای بزرگ شدن همین یه دونه پسرم ترس بزرگی دارم. چون همون طور که می‌دونید در گذشته خانواده اساس تربیت فرزندان بود ولی الان می‌بینیم با وجود تمام تلاشی که خانواده‌ها در تربیت فرزنداشون دارن در آخر وارد شدن اون‌ها به اجتماع خیلی از تلاش‌ها بی‌نتیجه می‌مونه و بچه‌ها دارای شخصیت متناقض با خواست خانواده‌هاشون میشن.»

افزایش آسیب‌ها و جرایم اجتماعی در جامعه باعث شکل‌گیری فضایی ناامن برای خانواده‌ها شده، و آن‌ها به شدت نگران فرزندان خود از اینکه گرفتار این مشکلات شوند، هستند، چرا که نمی‌توان فرزند را در محیط خانه زندانی کرد، بلکه باید در جامعه و در ارتباط با دیگران زندگی خود را سپری کند؛ بنابراین مشارکت‌کنندگان معتقدند اگر یک فرزند داشته باشیم کنترل و محافظت از او در چنین شرایطی آسانتر از داشتن چند فرزند می‌باشد. بنابراین هر گونه شرایطی که احساس عدم امنیت را برای خانواده‌ها و فرزندان آن‌ها ایجاد کند، می‌تواند زمینه‌ی کاهش فرزندان را فراهم آورد.

حورا شرایط اجتماعی و نگرانی خود از ورود فرزندش به این محیط این چنین توصیف می‌کند: «افزایش منابع تزریق مواد مخدر در اجتماع و افزایش تعداد افراد مبتلا به این

بلای خانمان سوز و بعلاوه گسترش فساد در اجتماع و دیگر مشکلات اخلاقی و نیز تأثیر افراد بر یکدیگر باعث شده که من برای آینده‌ی فرزندانم و تحت تأثیر قرار گرفتن اوان توسط این‌گونه افراد واهمه داشته باشم. البته تربیت در خانواده امری اساسیه اما با این همه نمی‌توان تأثیر اجتماع بر فرزندانمان را نادیده بگیریم».

هاجر ۲۸ ساله احساس ناامنی را مربوط به زمان ورود فرزند به جامعه می‌داند و نقل می‌کند:

« با توجه به اوضاع جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، تربیت کردن بچه به هنگامی که بزرگ می‌شود، برایم دشوار است».

آینده‌ی فرزند و عدم اطمینان زنان به آینده‌ی فرزندان خود و یا بدبین بودن به آینده از دیگر دغدغه‌های زنان برای بسنده کردن به یک فرزند است و اعتقاد دارند به هر شکل ممکن می‌توان آینده‌ی یک نفر را تضمین کرد ولی تضمین آینده چند فرزند کار بس دشواری است.

رایا ۳۳ ساله می‌گوید: «چون آینده‌ی همین هم تضمین نیست که فکر دومی باشم، چون جامعه‌ی ما تحصیل و امکانات و تفریح و پیشرفت بچه را تضمین نمی‌کند خود خانواده باید تضمین کند».

مهسا که دارای یک پسر ۱۱ ساله است، به شدت نگران آینده‌ی فرزند خود است و این چنین شرایط جامعه را توصیف می‌کند: « من الان با توجه به این شرایطی که دارم می‌بینم مشکلات اجتماعی که تو جامعه‌ی ما هستن خیلی زیادن الان یعنی این افکار خیلی منو اذیت می‌کنه. بعد از یه سنی که خودش تنها وارد اجتماع بشه، الان وارد اجتماع شده ولی می‌دونید ما بالاخره هواشو داریم فعلاً می‌تونیم حالا یه جاهایی منعشون کنیم، از رفتن به جایی، از دوست شدن با کسی، رفت و آمد با کسی، ولی دیگه تو یه سنی که خودش تک و تنها بخواد وارد اجتماع بشه من واقعاً نگرانم؛ یعنی تمام استرس و نگرانی من و شوهرم از همینه».

مقوله اصلی ششم: عدم حمایت نهادی کافی

با توجه به اینکه جامعه‌ی ما جامعه‌ی در حال گذار می‌باشد، اصول حاکم بر آن نیز ترکیبی از سنت و مدرنیته می‌باشد، این موضوع در شهروندان و خانواده‌های اهواری کاملاً قابل مشاهده است. به‌طور مثال در مورد تفکیک نقش‌های جنسیتی و همچنین محل زندگی زوجین جوان بعد از ازدواج می‌توان این موضوع را دید. شرایط حاکم بر زندگی شهری بین زوجین جوان و خانواده‌های آن‌ها فاصله می‌اندازد و زوجین را به تلاش و کوشش بیشتر برای استقلال طلبی ترغیب می‌کند در چنین شرایطی فرزندآوری زوجین

جوان را با مشکل تنها بودن و نداشتن حامی مواجه می‌کند و در اینجاست که نقش دولت و سازمان‌های حمایت‌کننده برای خانواده‌ها بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. در یک جامعه شهری و زمانی که زوجین جوان زندگی در مسکن مستقل و جدای از خانواده‌ها را ترجیح می‌دهند، بزرگ‌ترین حامی زن، همسر او می‌باشد، حال اگر همسر در امور خانه و به‌ویژه در نگهداری از فرزند از زن خود حمایت نکند و همه‌ی بار فرزندپروری بر دوش زن سنگینی کند، نتیجه این است که زن تصمیم می‌گیرد دیگر فرزندی را به دنیا نیاورد و به تک‌فرزندی بسنده کند تا به این شکل از خود حمایت کند. زینب در مورد عدم همکاری همسرش می‌گوید:

«روزهای بدحالی بچه‌ام دست تنهام و شوهرم همراهی نمی‌کند. تصمیم و امر با خودش است و از من انتظار دارد که به تنهایی همه‌ی کارها را انجام دهم». مبینا ۴۵ ساله به شدت از رفتار همسرش گلّه‌مند است و در این مورد می‌گوید: «بارداری خیلی سختی داشتم چون من غریب بودم و صبح تا شب زمینو چنگ می‌زدم چون تنها بودم؛ و شوهرم هیچ اعتنایی به من نمی‌کرد و صورت مسئله را پاک می‌کرد. شوهرم ثبات فکری ندارد، و به زن هم به‌عنوان کسی که بچه‌ای را برایش به دنیا میاره نگاه می‌کند. شوهرم اصلاً توی زندگی پشت من نیست و از من حمایت نمی‌کند». حمایت روحی، روانی و مالی خانواده‌ها از زوجین جوان می‌تواند آن‌ها را در ادامه‌ی زندگی پشت گرم کند، بخصوص برای زنان در دوران بارداری و نوزادی فرزند حمایت خانواده‌ها و بویژه مادر از اهمیت بسزایی برخوردار است. مهناز هم در ارتباط با نداشتن حمایت‌کننده و کسی که بتواند از فرزند آن‌ها نگهداری کند می‌گوید:

«سال‌های اولی که فرزندم به دنیا اومد خانواده‌ام اینجا نبودن، حالت تنهایی خیلی منو آزار داد بخصوص در بزرگ کردن بچم چون هم من شاغل بودم و هم شوهرم شاغل بود».

عدم حمایت اجتماعی از خانواده‌ها و فرزندان آن‌ها یکی از دغدغه‌های اصلی مادران در فرزندآوری است، زنان شاغل با کمبود مرخصی زایمان و احتمال اخراج شدن از کار مواجه‌اند همچنین، عدم وجود مهد کودک در ادارات مختلف و محل کار زنان و یا مهد کودک‌هایی که غیر قابل اعتمادند باعث دلسردی زنان شده است. مهناز در این زمینه ابراز می‌دارد:

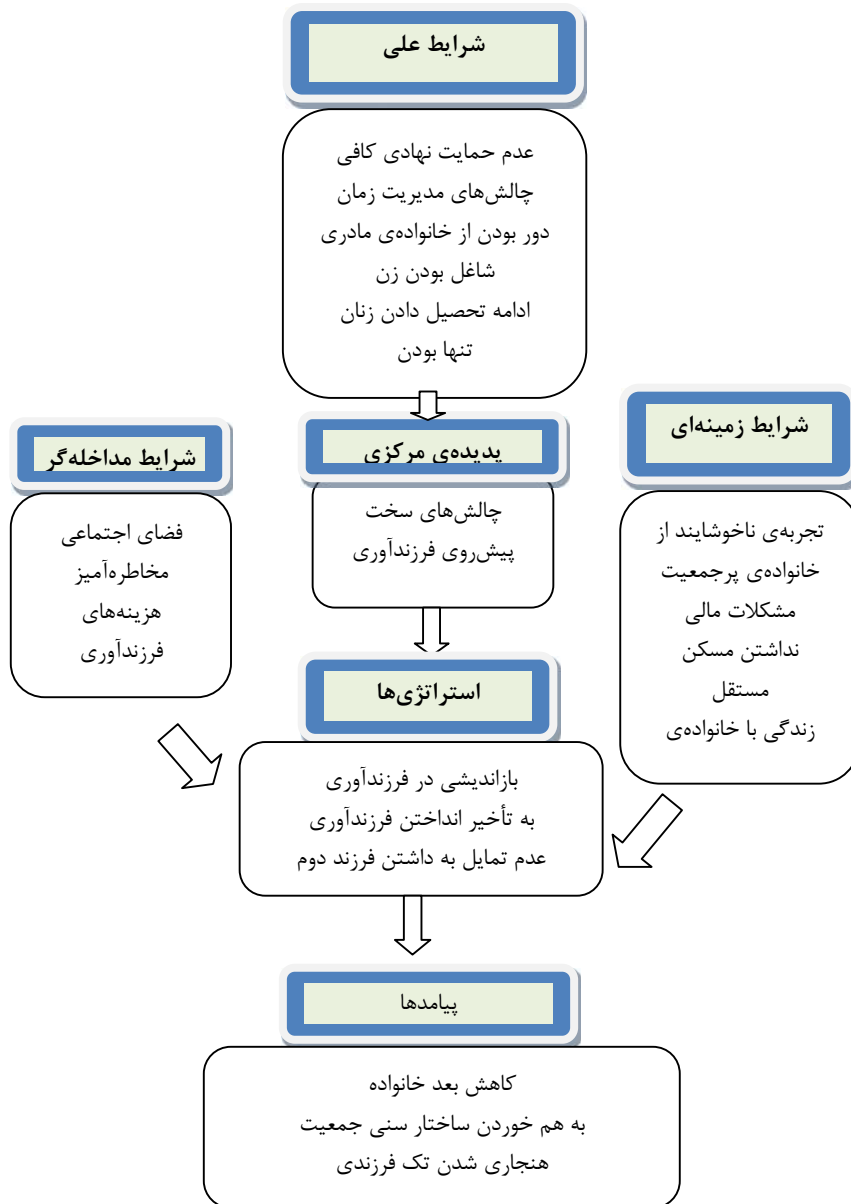
«وقتی که بچم بدنیا اومد من داشتم کارم را از دست می‌دادم چون به ما حتی چهار ماه هم مرخصی ندادند و می‌گفتند هر وقت ما بگیم باید بیایید سر کار چون ما هم شرکتی بودیم. امور اداری خیلی سخت‌گیری می‌کردند، به خاطر کارم بچم وقتی دو ماهش بود

گذاشتم مهد کودک تقریباً تو مهد کودک بچم از نظر مزاجی و سلامت تو خطر افتاد و چند مدت هم تو بیمارستان بستری شد».

مدل پارادایمی

مهم‌ترین پدیده‌ای که زنان با آن مواجه بوده‌اند، چالش‌های سخت پیش روی فرزندآوری بوده است، دلایلی که باعث شده این پدیده شکل گیرد را می‌توان در عدم حمایت کافی نهادی از زوجین جوان و فرزندآوری، نداشتن زمان کافی زنان برای نگهداری از فرزند، دور بودن زنان از خانواده‌ی مادری، اشتغال به کار زنان، ادامه‌ی تحصیل دادن زنان و تنها بودن آن‌ها جستجو کرد، چالش‌های پیش روی فرزندآوری زنان در بستر و زمینه‌ای مثل تجربه‌ی ناخوشایند از خانواده‌ی پرجمعیت، مشکلات مالی، نداشتن مسکن مستقل و زندگی با خانواده‌ی همسر و با دخالت فضای اجتماعی مخاطره‌آمیز و هزینه‌های بالای فرزندآوری باعث شده مشارکت‌کنندگان استراتژی‌هایی را جهت کم کردن فشار یا فرار از این چالش‌ها انتخاب کنند که مهم‌ترین آن روی آوردن به تک‌فرزندی یا نخواستن فرزند دوم می‌باشد، اما در مواردی فرزندآوری را به تأخیر انداخته‌اند که از نظر سنی دیگر امکان اقدام برای فرزند دوم وجود ندارد، هر چند که زنان دوست داشته باشند فرزند دومی را به دنیا بیاورند به‌عنوان مثال سرور می‌گوید: « دلم می‌خواد بچه‌ی دیگری داشته باشم ولی الانم خیلی دیر شده»؛ و یا مهناز که در سن ۳۵ سالگی ازدواج کرده و یک فرزند ۱۰ ساله دارد می‌گوید: « من دوست داشتم یک فرزند دیگر داشته باشم ولی اینقدر فاصله افتاد که الان امکان فرزنددارشدن دیگر نداریم». بطور کلی زنان در مواجهه با چالش‌های پیش روی فرزندآوری سعی کرده‌اند بازاندیشی در فرزندآوری و نگاه به فرزند داشته باشند و کیفیت فرزند را مهم‌تر از کمیت فرزند می‌دانند.

مدل پارادایمی چالش‌های پیش روی فرزندآوری زنان



بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف فهم کنش تک‌فرزندی زنان با توجه به چالش‌هایی که در زندگی با آن‌ها مواجه‌اند، انجام گرفت. در این مسیر، با استفاده از روش‌شناسی کیفی و نظریه‌ی زمینه‌ای، طرح تحقیق پیکربندی شد. با استفاده از مصاحبه‌های عمیق و نمونه‌گیری هدفمند و نظری جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به شیوه‌ی کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد. یافته‌های تحقیق در قالب مفاهیم اولیه، ۱۷ مقوله‌ی فرعی، ۶ مقوله‌ی اصلی و یک مقوله‌ی هسته است. این نتایج، در قالب جدول مفاهیم، مقوله‌های فرعی، اصلی و هسته ارائه شد. سپس مدل پارادایمی تحقیق نیز بر اساس شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، استراتژی‌ها و پیامدها حول پدیده‌ی مرکزی ارائه گشت.

تحلیل داده‌های تحقیق نشان می‌دهند که کارکردهای خانواده در عصر حاضر دچار تغییرات شگرفی شده است، فرزندآوری و تولید مثل که از مهم‌ترین کارکردهای خانواده و همچنین هدف شکل‌گیری خانواده بوده، امروزه دستخوش تغییراتی شده است و به‌عنوان یک چالش برای بسیاری از خانواده‌ها خودنمایی می‌کند.

چالش‌هایی که زنان در ارتباط با فرزندآوری، فرزندپروری و اداره‌ی امور خانواده با آن‌ها دست به‌گریبانند با توجه به مقوله‌های استخراج شده از تحلیل مصاحبه‌ها به دو دسته‌ی اصلی می‌توان تقسیم کرد: ۱- چالش‌هایی که مربوط به امور زوجین و یا زنان می‌باشد و ۲- مواردی که به فرزند مرتبط است، که در مجموع این دو با هم باعث تصمیم‌گیری خانواده‌ها و بخصوص زنان برای داشتن تنها یک فرزند شده است. از مسائل مربوط به زوجین می‌توان به مشکلات تأمین مخارج اولیه‌ی خود، بیکاری یا نداشتن شغل ثابت، نداشتن مسکن، اشتغال به کار زنان، ادامه‌ی تحصیل زنان و زندگی با خانواده‌های خود اشاره کرد؛ و از چالش‌های مربوط به فرزند می‌توان عدم حمایت کافی، مشکلات نگهداری از فرزند، زمان‌بر بودن فرزندپروری، هزینه‌های فرزندآوری و تربیت فرزند و شرایط اجتماعی که باعث کاهش احساس امنیت در جامعه می‌شود، را نام برد.

گرایش زنان به تحصیلات دانشگاهی در دو دهه‌ی اخیر بر کسی پوشیده نیست، بطوریکه از سال ۱۳۷۷ به بعد درصد ورودی خانم‌ها به دانشگاه نسبت به آقایان بیشتر شده و در دهه‌ی ۸۰ ای رقم به اوج خود رسید (طباطبایی یزدی، ۱۳۸۶).

به‌طور طبیعی صرف زمان جهت تحصیلات و همچنین کسب موقعیت شغلی مناسب باعث شده تا طول سال‌هایی که آنان به‌طور بالقوه توانایی فرزندآوری دارند را از دست بدهند و یا این دوره کوتاه‌تر گردد. عده‌ای دیگر از زنان نیز که قبل از ورود به دانشگاه ازدواج کرده‌اند با مشاهده‌ی شرایط جامعه و موجی که در گرفتن مدرک و وارد بازار کار شدن در جامعه به راه افتاده است، این گروه هم به دلیل چشم و هم‌چشمی یا هر دلیل

دیگر بر این موج همه‌گیر سوار می‌شوند و چند سالی درگیر آن خواهند بود که این زمان به عقیده‌ی مشارکت‌کنندگان زمان خوبی برای فرزندآوری نیست، و برنامه‌ی فرزندآوری را برای بعد از اتمام تحصیلات واگذار می‌کنند و کسانی هم که یک فرزند دارند، اقدام برای فرزند دوم را به چند سال بعد منتقل می‌کنند، که در این رابطه‌ی مشارکت‌کنندگانی که خواهان چند فرزند بوده‌اند ولی بین تولد فرزند اول آن‌ها و اقدام برای فرزند دوم فاصله افتاده اذعان کرده‌اند که به هیچ وجه حاضر نیستند دوباره آن مراحل را بعد از گذشت چند سال دوباره تجربه کنند و در مواردی هم زوجین با مشکلات ناباروری مواجه شده‌اند. این بخش از نتایج تحقیق با تحقیق، امیر عرفانی (۱۳۹۱)، کلمن و کوکوت (۲۰۰۷) همخوانی دارد.

اشتغال زنان بیرون از منزل چه به واسطه‌ی نیازهای مالی خانواده و یا منبعی برای هویت دادن به زنان از یک طرف باعث شده تا فرزندآوری و نگهداری از فرزند برای زنان شاغل به یک چالش تبدیل شود، انعطاف‌ناپذیر بودن زمان کار و ساعات زیاد بعضی مشاغل و همچنین مرخصی‌های کوتاه‌مدت بارداری و زایمان و ترس از بیکار شدن زنان و از طرف دیگر شاغل بودن همسر و نوع شغل بسیاری از مردان که دور از محل زندگی و یا با مأموریت‌های طولانی مدت همراه است، زنان را از داشتن بهترین حامی یعنی همسر محروم می‌دارد، از این نکته هم نباید غافل شد که با تحولاتی که در نقش‌های جنسیتی بوجود آمده و ما تا حدودی شاهد عدم تفکیک نقش‌های جنسیتی در شهرهای بزرگ هستیم و عده‌ای از مردان هنوز همانند گذشته معتقدند که تمام کارهای درون منزل به عهده‌ی زن می‌باشد و هیچ‌گونه کمکی به همسران خود در امور منزل و نگهداری از فرزند انجام نمی‌دهند، بنابراین در این موارد هم زنان در نگهداری فرزند تنها می‌مانند، پس باید به نظام‌های سنتی و کمک گرفتن از خانواده و اطرافیان روی آورند، اما از آنجایی که اکثر زوجین بعد از ازدواج از خانواده‌های خود دور می‌شوند، حمایت خانواده نیز از دست می‌دهند. نتایج تحقیق در این بخش تأیید نتایج تحقیق سیلوانی (۲۰۱۲) می‌باشد.

علاوه بر این موارد، هزینه‌های پرورش فرزند و فضای اجتماعی مخاطره‌آمیز، فراهم کردن هزینه‌های تأمین زندگی خود و فرزند را با یک ناامنی مواجه می‌کند، آینده‌ی فرزندان هم برای مشارکت‌کنندگان مبهم و غیر قابل پیش‌بینی کرده و نگرانی‌های زیادی را برای خانواده‌ها ایجاد کرده است.

نتایج تحقیق در این محورها، مشابه تحقیقات کبودی و همکاران (۱۳۹۲) و امیر عرفانی (۱۳۹۱) می‌باشد. در نتیجه زنان سعی می‌کنند از راهبردها و استراتژی‌هایی مثل تأخیر در فرزندآوری، عدم تمایل به فرزندآوری مجدد، که در نهایت منجر به داشتن یک فرزند می‌شود، با این چالش‌ها مقابله کنند. هر چند پیامد این رفتارها می‌تواند کاهش بعد

خانواده‌ها و به هم خوردن ساختار سنی جمعیت شود؛ ولی این فرایندی است که از چند دهه‌های قبل شروع شده و در نهایت امروز ما شاهد گسترش آن در جامعه می‌باشیم.

فهرست منابع:

- آزادارمکی، تقی و حسن خادمی (۱۳۸۲). "ترجیبات ارزشی دانش‌آموزان تهرانی"، نامه‌ی پژوهش فرهنگی، فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی، سال هشتم، شماره‌ی ۸.
- ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۱). پژوهش کیفی از نظریه تا عمل، تهران: نشر علم.
- ادیبی‌سده، مهدی و همکاران (۱۳۹۰). "بررسی میزان افزایش باروری و عوامل مؤثر بر آن در میان طایفه کرد ساکن اندیمشک"، مجله‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران، سال ۴، شماره‌ی ۱.
- استراوس، انسلم و جولیت کربین (۱۳۹۱). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه‌ی زمینه‌ای، ترجمه‌ی ابراهیم افشار، تهران: نشر نی. چاپ دوم.
- ایمان؛ محمدتقی (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۲). سنجش نگرش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، جهاد سازندگی.
- سازمان ثبت‌احوال کشور (۱۳۹۲). تحلیل نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ کل کشور.
- عرفانی، امیر (۱۳۹۱). نیات باروری مردم تهران، مرکز مطالعات جمعیتی آسیا - اقیانوسیه.
- طباطبایی‌یزدی، مژگان (۱۳۸۶). مطالعه‌ی روند افزایش دانشجویان دختر نسبت به پسر و سهم عوامل مؤثر بر این روند، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- قدرتی، حسین و همکاران (۱۳۹۲). "بررسی رابطه‌ی برابری جنسیتی در خانواده و باروری زنان، مطالعه‌ی موردی: زنان متأهل ۲۰ تا ۴۰ ساله‌ی شهر سبزوار"، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال سوم، شماره‌ی ۱۱.
- کبودی، مرضیه و همکاران (۱۳۹۲). "الگوی تصمیم‌گیری فرزندآوری: یک مطالعه کیفی"، فصلنامه‌ی پایش، دوره‌ی دوازدهم، شماره‌ی پنجم، مهر - آبان.
- محمودیان، حسین و همکاران (۱۳۸۸). "زمینه‌های کم‌فرزندآوری در استان کردستان: مطالعه‌ی موردی: شهر سقز"، دو فصلنامه‌ی نامه‌ی انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره‌ی ۸.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۱). نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰.

Acharya, Ram Chandra (2010). "The effect of demographic factors on fertility behavior in western Terai of Nepal", *Economic Journal of Development Issues*, Vol. 11 & 12 No. 1-2:21-8.

Ajzen, I. & Fishbein, M. (2005). "The influence of attitudes on behavior", In Albarracín, D; Johnson, B.T; Zanna M.P. (Eds.), *The handbook of attitudes*, Lawrence Erlbaum Associates.

Ajzen, I. & Klobas, Jane (2013). "Fertility intentions: An approach based on the theory of planned behavior", *Demographic Research*. Volume 29, PP 203-232.

Ajzen, I (1991). "The theory of planned behavior", *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50, 179-211.

Blaikie, Norman (2007). *Approaches to Social Inquiry*, London: Polity Press.

Caldwell, John C. (2001). "The Globalization of Fertility Behavior", *Population and development Review*, Vol. 27, pp. 93-115.

Coleman, David (2007). "The Road to Low Fertility", *Oxford Institute of Ageing. Ageing Horizons*, Issue No. 7, 7-15.

Creswell, John (2007). *Qualitative Inquiry & Research Design*, Second Edition, California: Sage Publication.

Cukut, Sanja (2007). "Understanding Fertility, Work and Family through a Gender Lens: A Case Study", *Anthropological Notebooks*. 13 (2): 95-110.

Day, L. H. (1983). *Analyzing population trend*, New York: St Martins Press.

Kim, Sub-Doo (2005). "Theoretical explanations of rapid fertility decline in Korea", *The Japanese Journal of Population*, Vol.3, No.1:462-9.

Patton, M. (2001). *Qualitative Research & Evaluation Methods*, London: Sage Publications.

Payne, Jennifer (2000). "The impact of a reduced fertility rate", *Women Health SurvReport*. 251:654-62.

Silvagni, Maria Giulia (2012). "Why Not the Second Child? An Economic Analysis of Fertility Behaviour of Russian Parents, Moscow", *IZA/HSE Workshop*, October 5-6.

Spengler, J. J. (1966). *Values and Fertility Analysis*, *Demography*, 3, 1, 109-130.

Wilson, C. (2001). "On the scale of global demographic convergence, 1950-2000", *Population and development Review*, 27(1): 155-171.